

آیین پهلوانی در اشعار مفتون همدانی

لیلا اسکندری پایدار^۱

چکیده

سید میر آقا کبریایی همدانی، متخلص به مفتون از شاعران برجسته و توانای قرن چهاردهم در همدان متولد شد. با دانش‌های زمان خود آشنا بود و تبحر بسیاری در سرودن انواع قالب‌های شعری داشت و با ترکیب الفاظ و جمله‌ها، اصطلاح‌های بدیعی خلق کرده‌است. علاقه مفتون به ورزش، مخصوصاً ورزش باستانی و زورخانه‌ای در اشعارش آشکار است. در اشعار مفتون مضامین دینی و اخلاقی در کنار جوانمردی و پهلوانی جایگاه ویژه‌ای دارد. او تنها شاعری است که به فنون کشتی و آداب زورخانه‌ای اشاره کرده، او شیفته ورزش بود و سرانجام به مقام پیشکسوتی و پهلوانی رسید و به دنبال حفظ و ترویج این میراث فرهنگی شاگردان بسیاری را تربیت کرد. اشعار مفتون ساده، روان و قابل فهم برای عموم مردم است. او از زبان شعر به تکنیک‌ها و فنون کشتی و ورزش زورخانه‌ای پرداخت. علاقه عمیق مفتون به ورزش زورخانه‌ای باعث شد که در اشعارش حرکات و آداب زورخانه‌ای را با جزئیات بیان کند و به عنوان سندی از آئین‌ها و رسوم ورزش باستانی به شمار رود. با فرضیه اینکه تأثیر عمیق ورزش باستانی و زورخانه‌ای بر اشعار مفتون همدانی نشان دهنده نقش مهم این ورزش‌ها در فرهنگ و ادبیات دوره مفتون است؛ این پرسش ایجاد می‌شود که چگونه تأثیرات ورزش‌های باستانی زورخانه‌ای بر اشعار مفتون همدانی، ادبیات فارسی را تحت تأثیر قرار داده است؟ هدف از نوشتن این مقاله، بررسی تأثیرات ورزش‌های باستانی و زورخانه‌ای بر مضامین و تکنیک‌های شعری مفتون همدانی و تحلیل نقش این اشعار در حفظ و ترویج فرهنگ باستانی است؛ که به روش مطالعه کتابخانه‌ای و تحقیق میدانی تهیه شده است. برآنیم که در جهت بالا بردن سطح آگاهی و علاقه به ورزش باستانی و به تصویر کشیدن نقش ادبیات مخصوصاً شعر در ورزش باستانی و زورخانه‌ای سهم به‌سزایی داشته باشیم.

کلیدواژه‌ها: مفتون، شعر، ورزش، زورخانه.

^۱ دکترای زبان و ادبیات فارسی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۳۰

مقدمه

ورزش درکشور ما، از ابتدای تاریخ پیدایش ملت آریا وجود داشته و با زندگی ایرانیان درآمیخته است. ورزش در ایران باستان جنبه‌ای دوگانه داشته، یکی ورزش تفریحی و نشاط انگیز که معمولاً پادشاهان و فرمانروایان و بزرگان بدان اشتغال می‌جستند؛ مثل شکار، اسب-تازی، چوگان‌زنی، گوی‌بازی، تیراندازی و دیگر ورزش ریاضتی که مردم عادی خود را با آن می‌ساختند. به تقریب مثل گرداندن گرز یا چوب‌های سرگران بالای سر، حرکت دادن آلتی شبیه کمان بالای شانه‌ها، گرداندن سپر جلوی سینه و نیز شنا کردن و فلاخن انداختن و کشتی گرفتن (کاظمینی، ۱۳۴۳: ۲۱). ورزش باستانی که با نام‌های زورخانه‌ای و پهلوانی نیز شناخته می‌شود، ریشه در تاریخ و فرهنگ ایران دارد. براین اساس، بررسی ورزش، بدون آگاهی از ارزش و کیفیت ریشه‌های فرهنگی جامعه ممکن نیست. ورزش باستانی با آداب و رسوم و اصطلاحات خاص، با تاریخ ایران و با زبان فارسی پیوندی استوار دارد. و آنگونه که از اشعار فردوسی درک می‌شود، در چهارچوب قواعد و مقررات خاص و در مکان خاصی برگزار می‌شده است. در ورزش باستانی اعتماد به نفس، قدرت، شهامت، شجاعت، سلامت بدن، در کنار ایمان و پاکدامنی و عشق به پهلوانی و جوانمردی قابل مشاهده است.

ای دل اگر تو در طلب عقل سالمی	سلطانی دو کون حلالیت، که آدمی
گر عقل سالم از تن سالم طلب کنی	تنها نه آدمی که خردمند عالمی
اول بکوش تا که سلامت شود تنت	گر سالمی به دهر، تو سلطان بی‌غمی
راه سلامتی بدن، کار و ورزش است	این شعر را بخوان و تأمل مکن دمی

(مفتون، ۱۳۸۶: ۳۷۷)

نظر سید میرآقا کبریایی ورزش باستانی، که سلامت جسم ورزشکار را، به حد کمال می‌رساند، مملو از فضیلت‌های اخلاقی و کرامت‌های انسانی است و علاقه مفتون به ورزش باستانی تا آن حد بود که در جوار خانه خود و همسایگی بقعه بوعلی‌سینا، ورزشخانه‌ای احداث کرد که سالیان دراز در آن به تعلیم و تعلم جوانان می‌پرداخت و اشعار او در زمینه ورزش باستانی و عرفان و آزادیخواهی دهان به دهان می‌گشت. مفتون همیشه در مراسم نیایش بعد از ورزش با سخنان شیرین و دلکش خود به نشر افکار آزادیخواهی و جوانمردی می‌پرداخت. ورزشخانه مفتون برای توسعه میدان و مقبره بوعلی‌سینا تخریب شد اما یاد او همیشه در شهر همدان و بین ورزشکاران باستانی ایران باقی است (تهرانچی، ۱۳۸۸: ۱۲۶). سیدمیرآقا کبریایی، شاعر نامدار ایرانی، علاوه بر سرودن اشعار پرمغز، علاقه وافری به ورزش باستانی و پهلوانی، به

خصوص کشتی، داشت. مفتون همدانی به عنوان شاعری توانمند و پهلوانی نام‌آور، نقشی ماندگار در تاریخ ورزش باستانی ایران، به خصوص کشتی، ایفا کرد. اشعار و فعالیت‌های او در این زمینه، گواهی بر عشق و تعهد او به این ورزش اصیل ایرانی است.

این شعر و این فنون که زمفتون شنفته شد	فهرست وار بهر تو فی الجمله گفته شد
ایام پهلوانیش، افسوس گشت طی	زیرش از این جهان پر آشوب رفته شد
دوران شعر و ورزش و عمرش بسر رسید	صد همچو وی چو گنج به ویرانه خفته شد
این دلنشین چکا مه اودر میان گود	هرکس که خواند، چون گل مولا شکفته شد

(مفتون، ۱۳۸۶: ۳۸۳)

کشتی گرفتن نسل به نسل در میان ایرانیان به قوت خود باقی مانده و در هر زمان در پیشگاه پادشاهان، کشتی پهلوانی از اعجاب انگیزترین و پر اهمیت‌ترین عملیات پهلوانی تلقی می‌شده و امروزه نیز همچنان کشتی گرفتن در میدان‌های مسابقه با شور و استقبال ایرانیان روبرو می‌شود. کشتی در سیر تکاملی خود به نهایت کمال می‌رسد و هرچه می‌گذرد عمومیت بیشتری می‌یابد و پهلوانان با بندها و فن‌های زیادتری آشنا و کار دیده می‌شوند. کشتی گرفتن در تاریخ ایران مدتی بعد از حمله مغول آنگاه که ملت ایران از زیر بار مصائب آن، قد راست کرد؛ وارد مرحله جدیدی می‌شود از آن عهد به بعد رسمیت بیشتری می‌یابد و سیمای پهلوانان نامدار ایران و کشتی‌گیران از آن عهد آشنا تر و شناخته‌تر شده است (کاظمینی، ۱۳۴۳: ۴۶). در ورزش باستانی تنها مسابقه‌ای که از قدیم‌الایام وجود داشته است، فقط کشتی بوده و گفتیم هدف نهایی از ورزش در زورخانه، آماده‌سازی بدن برای کشتی بوده است. بر این اساس می‌گفتند میوه ورزش، کشتی است. لذا در طول تاریخ ورزش باستانی، همیشه برتریها بر محور کشتی گرفتن دور می‌زده است (تهرانچی، ۱۳۸۸: ۲۲۹).

این فن که از برای تو و من شد اختراع	اول پی سلامتی تن شد اختراع
همواره جنگ بود زمان قدیم چون	این کار بهر چاره دشمن شد اختراع
هنگام جنگ تا نشود بازویت جمام	بهر زمان راحتی این فن شد اختراع
بهر سلامتی همگی در میان گود	برگو تو این کلام که از من شد اختراع

(مفتون، ۱۳۸۶: ۳۷۸).

مفتون در این اشعار به ارتباط ورزش زورخانه‌ای و فنون کشتی اشاره می‌کند و اینکه این فنون برای حفظ سلامتی بدن و مقابله با دشمنان و تقویت قدرت جنگی اختراع شده است که در میان گود زورخانه اجرا می‌شود و با این اشعار به اهمیت ورزش و حفظ سلامتی و

آمادگی جسمانی تأکید می‌کند. مفتون نه تنها خود در این رشته ورزشی فعالیت می‌کرد، بلکه پهلوانان بسیاری را نیز تربیت کرد. اشتیاق او به کشتی تا حدی بود که در اشعار خود نیز به فنون و اصطلاحات این ورزش باستانی پرداخت. اشعار و فعالیت‌های مفتون در زمینه کشتی، به ترویج این ورزش در بین مردم، به خصوص جوانان، کمک کرد و به عنوان منبعی ارزشمند برای ثبت و حفظ اصطلاحات و فنون کشتی در زبان فارسی شناخته می‌شود. مفتون با اشتیاق و تعهد خود به کشتی، الهام‌بخش نسل‌های بعدی شاعران و پهلوانان ایرانی بود. و به عنوان شاعری توانمند و پهلوانی نام‌آور، نقشی ماندگار در تاریخ ورزش باستانی ایران، به خصوص کشتی، ایفا کرد. اشعار و فعالیت‌های او در این زمینه، گواهی بر عشق و تعهد او به این ورزش اصیل ایرانی است.

پیشینه تحقیق

مفتون همدانی در اشعار خود از آیین پهلوانی به عنوان یک روش‌شناسی استفاده می‌کند که شامل ترکیبی از ادبیات و ورزش باستانی است. او در اشعار خود به ترسیم زندگی و اقدامات پهلوانان با استفاده از اصطلاحات و فنون پرداخته و تصویرسازی حماسی و قهرمانی را در اشعار خود به زیباترین شکل نشان داده است. دیوان مفتون همدانی با وجود محتوای فرهنگی و ادبی غنی که شامل شرح حال و اشعار متنوع، به دلیل تنوع موضوعات و سبک‌های ادبی در آن، از اقبال کمی در مقایسه با سایر آثار ادبیات فارسی برخوردار بوده است. این دیوان به زبان ساده و پر محتوا شعرهایی از ادبیات ورزشی و اصطلاحات آیینی را به نمایش می‌گذارد که مخاطبان امروزی ممکن است با درک واقعیت‌های موجود در آن مواجه نشوند. دیوان مفتون همدانی به دلیل شعرهای با مضامین متنوع، دارای ارزش ادبی و تاریخی است که می‌تواند به عنوان یک نمونه از شعر ایران قدیم، محور مطالعاتی بسیاری از قبیل تحلیل سبک، موضوعات و اصطلاحات مرتبط با فرهنگ پهلوانی و ورزش مورد بررسی قرار گیرد و نیز از نظر فرهنگ و جامعه‌شناسی بررسی این دیوان به درک عمیق‌تری از فرهنگ و جامعه در دوره‌های گذشته کمک کند. پژوهش‌هایی بر روی این دیوان می‌تواند رویکرد نوینی را برای مطالعه و تحلیل آثار ادبی فراهم کند. با این حال درباره زندگی و اشعار مفتون جز مطالبی پراکنده، کار جامع و کاملی انجام نشده، فقط یک پایان نامه با عنوان «تحلیل ارسال المثل در دیوان مفتون همدانی» در دانشگاه پیام نور مرکز تهران توسط علی ثابتی صالح و مقاله‌ای با عنوان «مضامین دینی در غزلیات مفتون همدانی» در دانشگاه آزاد واحد فسا توسط سید حسین اسعدی فیروزآبادی نوشته شده است. این مقاله، با روش کتابخانه‌ای با ابزار فیش‌برداری

و بررسی میدانی مرتبط با آیین پهلوانی و مطالعه و بررسی دیوان مفتون همدانی و تجزیه و تحلیل داده‌ها در کنار تفسیر نتایج و مقایسه یافته‌های پیشین انجام شده است.

بحث و بررسی

مفتون

مفتون همدانی از شاعران برجسته قرن چهاردهم، که محل تولد او همدان بود. دیوان ارزشمندی به یادگار گذاشته که نشان دهنده مهارت او در سرودن انواع قالب‌های شعری مخصوصاً غزل و قصیده است؛ سعید نفیسی با مقدمه‌ای که برای آن نوشته، ساختار و محتویات اشعار را برای خوانندگان روشن می‌کند. مفتون همدانی در کنار شعر و شاعری علاقه بسیار زیادی به ورزش باستانی و پهلوانی داشت و به این فعالیت‌ها می‌پرداخت. او در ورزش زورخانه‌ای و کشتی دارای مقام پیشکسوتی بود و شاگردان بسیاری را تربیت کرد. علاقه خاص مفتون به ورزش باستانی نشان می‌دهد که او نگاهی فرهنگی و ارزشمند به ورزش داشت و ورزش زورخانه‌ای را نه تنها به عنوان یک فعالیت جسمانی بلکه به عنوان بخش مهمی از فرهنگ و تاریخ ایران می‌دانست.

شعر

مفتون همدانی، شاعر قرن چهاردهم هجری در دوره‌ای زندگی می‌کرد که شاعران دیگری نیز به لحاظ زمانی با او هم دوره بودند و هر کدام به شیوه‌ای منحصر به فرد شعر سروده‌اند و از مضامین متنوعی در اشعار خود استفاده کرده‌اند. شعر دوره مفتون همدانی، که به اواخر دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی مربوط می‌شود، از ویژگی‌های خاصی برخوردار است که آن را از سایر دوره‌های شعر فارسی متمایز می‌کند. شاعران این دوره به طور گسترده از قالب‌های سنتی شعر فارسی مانند غزل، قصیده و رباعی استفاده می‌کردند. این سبک‌های کلاسیک در آثار مفتون همدانی به وضوح دیده می‌شود و در بیان احساسات عاشقانه، عرفانی و اجتماعی کاربرد داشته است. اشعار این دوره غالباً شامل مضامین عرفانی و اجتماعی بودند. شاعران به بررسی و توصیف مسائل اجتماعی و اخلاقی می‌پرداختند و در عین حال، به مضامین عرفانی و فلسفی نیز توجه داشتند. این رویکرد در اشعار مفتون همدانی و مشابهت‌هایش با شعر شهریار مشهود است. شعر دوره مفتون همدانی تحت تأثیر تغییرات اجتماعی و فرهنگی زمان خود قرار داشت. شاعران این دوره به نقد و بررسی مسائل روزگار خود پرداختند و از زبان شعر برای بیان اعتراضات و تحلیل‌های اجتماعی استفاده کردند. زبان شعر مفتون همدانی غنی و فاخر است. استفاده از استعاره‌ها، تشبیهات و تصاویر شعری قوی، به همراه نثر شاعرانه،

از ویژگی‌های بارز اشعار این دوره است. این سبک بیان به شاعران این دوره کمک کرده تا آثار با کیفیت و ماندگاری تولید کنند. به‌طورکلی، شعر دوره مفتون همدانی ترکیبی از سنت‌های ادبی قدیم و تأثیرات اجتماعی جدید بود که به خلق آثاری برجسته و متنوع انجامید.

ورزش

ورزش در ایران جایگاه ویژه‌ای دارد و بخشی از هویت ملی و فرهنگ جامعه ایرانی محسوب می‌شود. و به عنوان اولویت آموزش در نظام تعلیم و تربیت به آن توجه شده است. ورزش در آیین پهلوانی و جوانمردی دارای جنبه‌های مختلف اخلاقی و فرهنگی است که در کنار تقویت عضلات و افزایش قدرت بدنی به تقویت روحیه و توسعه ارزش‌های اخلاقی در جامعه کمک می‌کند و با پرورش ویژگی‌های مثبت مانند صبر، اراده و استقامت بر سلامت روحی فرد تأثیر بسزایی دارد. در ورزش پهلوانی، جوانمردی و رعایت انصاف، احترام به حریف در کنار توجه به اصول تیمی و گروهی بسیار مورد تأکید است. در ورزش‌های سنتی هدف ورزشکاران، ارتقاء ویژگی‌های اخلاقی و رعایت اصول اخلاقی مانند ایثار، فروتنی و کمک به نیازمندان است.

زورخانه

آیین مهر و ورزش زورخانه‌ای در ایران ارتباط عمیقی با یکدیگر دارند. آیین مهر یکی از ادیان باستانی ایران است که به پرستش ایزد مهر می‌پرداخت و تأثیر زیادی بر فرهنگ و رسوم ایرانیان گذاشته است. این آیین به خاطر ارزش‌هایی مانند جوانمردی و احترام به دیگران در ورزش‌های ایرانی به ویژه زورخانه به شدت تأثیرگذار بوده است. در آیین مهر ویژگی‌هایی مانند شجاعت، عدالت و جوانمردی مورد تأکید قرار می‌گرفت که این اصول در ورزش زورخانه‌ای نیز به وضوح مشهود است. ورزشکاران زورخانه‌ای به حفظ این اصول و اخلاق پهلوانی پایبند هستند. ورود به زورخانه و انجام ورزش‌های آن، با رعایت آیین‌ها و آداب خاصی همراه است که نوعی از آیین مهر الهام گرفته شده است (تهرانچی، ۱۳۸۸: ۲۱۳). زور واژه‌ای است فارسی که در فرهنگ لغات به معنی توانایی، نیرو، فشار و قوه است و لغاتی مانند: زورگری و زورآزما از مشتقات آن است؛ همچنین کشتی گرفتن را در باختران، زوران می‌گویند. اصطلاح زورخانه که از ترکیب اسامی ذات و اسم‌هایی که محلی را می‌رسانند با واژه خانه ساخته شده و در زبان فارسی بسیار است. باشگاه ورزش باستانی یا زورخانه را، در بسیاری از شهرها ورزشخانه نیز می‌نامند. ورزش زورخانه‌ای نام مجموعه حرکات ورزشی با

اسباب و بی‌اسباب و آداب و رسوم مربوط به آن‌هاست که در محدوده تاریخی و فرهنگی ایران از گذشته‌های دور رواج داشته است ورزش‌های زورخانه‌ای نام دیگر آئین پهلوانی و از ورزش‌های سنتی و بنام ایرانیان است. جایی که در آن به ورزش باستانی می‌پردازند زورخانه نام دارد (نعمت‌اللهی، ۱۳۹۱: ۴۰). مکان سنتی زورخانه که ورزش‌های باستانی و تمرینات قدرتی در آن انجام می‌شود، از روزگاران گذشته دارای ارزش و اعتبار بسیار بوده و با توجه به اهمیت این مکان دارای ویژگی‌های خاصی است. در زورخانه که بنای آن معماری منحصر به فردی دارد، ورزشکاران با آداب و رسوم خاصی وارد می‌شوند و در کنار تمرینات ورزشی، نقش مهمی در حفظ و ترویج فرهنگ و تاریخ و مذهب دارند.

چون مهاباد از برای نوع آدم خانه ساخت	از برای کش که نام شه بود کاشانه ساخت
کش که کیش و شهر کاشان یادگار نام اوست	همچنان کا شانه در کا شانه ورزشخانه ساخت
وحشیان را دیو می‌خواندند، او بهر دفاع	عاقلانه خانه بهر چاره دیوانه ساخت
ما از آنها غیر این چیزی نمی‌آریم گفت	قبل تاریخ است، طبع بنده این افسانه ساخت
بعد او گورنگ شاه زابلی در فصل دی	تا بسازد خویش، ورزشخانه مردانه ساخت
تورگ‌گو بعد از آن در زابل و در سیستان	ساخت ورزشخانه، بهر گنجها ویرانه ساخت
این بنا گرشاسب و رستم به دامن پروراند	زین معادن طبع سرکش گوهر یکدانه ساخت
این سخن را طبع مفتون تا بماند یادگار	در زمانه از برای مردم فرزانه ساخت

(مفتون، ۱۳۸۶: ۳۸۵).

در این شعر مفتون به تاریخچه و اهمیت ساخت زورخانه در فرهنگ ایران می‌پردازد و به تأسیس اولین ورزشخانه‌ها توسط شخصیت اسطوره‌ای اشاره می‌کند که نشان از قدمت تاریخی ورزش در ایران دارد. مفتون به اهمیت و ارتباط زورخانه‌ها با اسطوره‌ها می‌پردازد و به این نکته اشاره می‌کند که زورخانه محلی برای تربیت و آموزش اخلاقی و روحی افراد است و با این اشعار ارزش و اهمیت فرهنگ و تاریخ ایران را نشان می‌دهد.

آداب ورود به زورخانه

کشتی پهلوانی، که از دیربگام در ایران رایج بود، با برخی نمادهای جدید، که از یک‌سو از فضای نوین مذهبی متأثر بود و از سوی دیگر، از شرایط اجتماعی و سیاسی نشأت می‌گرفت، مورد توجه قرار گرفت. ورزش باید بعد از ادای فریضه صبح شروع و چاشتگاه خاتمه یابد. مرشد زورخانه موظف است برای واردین به تناسب مقام ورزشی و اولویت احتراماتی به عمل آورد. بر ورزشکار فرض است که موقع ورود به گود زورخانه خاک گود را به رسم ادب بوسه زند (شفیعی‌سروستانی، ۱۳۷۸: ۴۷). ورزشکاران معمولاً در ساعات اولیه صبح یا عصر با آداب و

رسوم خاصی به زورخانه می‌روند. صبح زود یا عصر بدن ورزشکاران بهترین وضعیت را برای انجام تمرینات سخت دارد و ورزشکاران در این زمان‌ها بیشترین تمرکز و انرژی را برای ارتباط روحی و معنوی دارند. این آداب و زمان مشخص از روز به عنوان بخشی از تاریخ و فرهنگ این ورزش به شمار می‌رود.

چون صبح شد به جانب مسجد ز خانه رو	بهر دوگانه، سوی خدای یگانه رو
دست و دهان و بینی خود را به آب شو	برخوان نماز صبح و سوی زورخانه رو
ورزش به تر دماغی و شیراوژنی نما	پس همچو شاهباز، سوی آب و دانه رو
هر کار می‌کنی، پی هر کار می‌روی	نام علی ببر به زبان رُستمانه رو

(مفتون، ۱۳۸۶: ۳۷۸).

در آداب ورود به زورخانه، احترام به مکان به عنوان یک عمل مذهبی و معنوی به شمار می‌رود که به معنای احترام به خالق جهان است و احترام به مرشد و پیشکسوتان و افراد دارای تجربه نشانه‌ای از تواضع و فروتنی است. همان‌طور که از اشعار مفتون استنباط می‌شود، توکل کردن و ایمان داشتن به خدا و یاری از امامان، در فرهنگ ورزش زورخانه‌ای اهمیت بسیاری دارد.

اول به زورخانه چورفتی، زمین ببوس	آری، زمین به نام جهان آفرین ببوس
از پهلوان و مرشد و از پیشکسوتان	سر نه بر آستانه و پس آستین ببوس
خواهی که نورچشم شوی پیش این‌وآن	پیشانی و جبین رخ آن و این ببوس
دست‌خدای را به حقیقت به دست گیر	این شعر را بخوان و زمین را چنین ببوس
کای لنگر زمین وزمان، جان هر احد	دست من است و دامن تو یا علی مدد

(مفتون، ۱۳۸۶: ۳۷۸).

در آداب ورود به زورخانه، همان‌طور که سنت جامعه ما حکم می‌کند، اگر ورزشکاران با یکدیگر باشند، بایسته است که نخست، پیشکسوت و مهتر، و سپس دیگران به ترتیب کسوت، یک‌یک وارد شوند تا مرشد به همان ترتیب بتواند روی سلسله مراتب، ادای احترام کند (تهرانچی، ۱۳۸۸: ۲۳۵). در زورخانه، سلسله مراتب و نظم خاصی حاکم است که رعایت نظم و احترام به سلسله مراتب، باعث پیشرفت و موفقیت ورزشکاران در زورخانه می‌شود.

صف از دو سوبسته به ناچار می‌شود	هر کس که پهلوان است میاندار می‌شود
هر نوچه با اجازه او کار می‌کند	هر کس چنین نمود نکوکار می‌شود
هر کار با اجازه او کرده می‌شود	هر راه از او برای تو هموار می‌شود
یک بند زین چکامه برای هر آنکه خواند	آن شخص چست و چابک و سالار می‌شود

(مفتون، ۱۳۸۶: ۳۸۰).

از آنجا که زورخانه و گود جای پاکان و جوانمردان و نیک نفسان است باید در آنجا پاک و مطهر بود و از شوخی و گفتار و رفتار زشت دوری جست و نیز از استعمال مواد غیر طبیعی مثل دخانیات و مشروبات نجس خودداری کرد (کاظمینی، ۱۳۴۳: ۳۴۰). در ورزش زورخانه‌ای به تلاش و پشتکار در کنار حفظ سلامت جسمانی و روانی تأکید شده است و مفتون با بیانی شیوا و شیرین به این موضوع اشاره کرده است.

تا می‌توان ز دود وز الکل کناره کن	یکباره ترکشان کن و عمر دوباره کن
بر گرد دود و الکل ای گل به کُل مگرد	این دردها اگر بودت، زود چاره کن
از بهر خود رژیم غذایی نگاه دار	از پر خوری کناره کن و شیر پاره کن
کن جدّ و جهد از پی هر کار می‌روی	این شعر را بلند بخوان نی اشاره کن

(مفتون، ۱۳۸۶: ۳۷۹).

ورزش زورخانه‌ای

ورزش زورخانه‌ای به حرکات ورزشی مانند چرخ زدن، سنگ گرفتن، میل‌گیری، کباده‌کشی، شنا و غیره، همراه با موسیقی و اشعار حماسی که توسط مرشد اجرا می‌شود می‌گویند. این حرکات به تقویت جسمانی و روحیه پهلوانی ورزشکاران کمک می‌کند.

چرخ زدن

چرخیدن نمادی از چرخ و پایکوبی سماع درویشان است که در حالت وجد به گرد خود می‌چرخیده‌اند (تهرانچی، ۱۳۸۲: ۲۶۱). چرخ زدن از حرکات اصلی ورزش باستانی است که ورزشکاران به صورت دایره‌ای حرکت می‌کنند. چرخ زدن در کنار تقویت عضلات جسمی از نظر روحی هم ارزشمند است و به تمرکز ذهن و قوی‌تر کردن روحیه و اراده کمک می‌کند.

چون در میان چرخ، میانکوب می‌زنی	ای نازنین بچرخ و بزن، خوب می‌زنی
ا ندر چهار پا و سه پا در میان چرخ	یک شیرجه بزن، که چه مرغوب می‌زنی
قد می‌کشی چوسرو، عجب راست می‌کشی	خم چون شوی، به خصم دغل چوب می‌زنی
شش چرخ تو به هفت فلک سر همی کشد	از دل بکش خروش چو لاروب می‌زنی

(مفتون، ۱۳۸۶: ۳۷۹).

در ابیات بالا مفتون با استفاده از اصطلاحات واژگانی مانند: چرخ زدن، میانکوب، چهارپا، سه‌پا، شیرجه، سرو، خم و لاروب به توصیف وضعیت و حالت عاطفی و روحی می‌پردازد و با این ابیات احساس قدرت و اعتماد به نفس را برای غلبه بر موانع و دشواری‌ها به تصویر می‌کشد. چرخ به معنای چالش‌ها و موانع زندگی است که شاعر باید با آنها مواجه شد. میانکوب

زدن تلاش فراوان و قوی شاعر در مقابله با چرخ‌های زندگی است. چهار پا و سه پا به صورت استعاری به تمامی انسان‌ها اشاره دارد که در مقابل چرخ‌های زندگی باید تلاش کنند. شیرجه نمایانگر یک ضربه یا عمل مؤثر است که برای مواجهه با مشکلات انجام می‌شود. لاروب به معنای صدای بلند و فریاد است که شاعر آن را برای تقویت و ابراز اراده خود به کار می‌برد.

سنگ گرفتن

سنگ دو جفت اسباب ورزش باستانی با شکلی مخصوص است که از چوب بسیار جسیم و ضخیم ساخته شده و شبیه سپر بسیار بزرگی است که قسمت بالایی آنها مستطیل است و بخش تحتانی‌شان با نیم دایره‌ای بسته می‌شود. این آلات وسیله نرمش است و سنگ نام دارند و با آنها در حال به پشت دراز کشیدن حرکات ورزشی انجام می‌دهند (کاظمینی، ۱۳۴۳: ۳۱۱).

اول برهنه چون که شدی، زیر سنگ رو	اما نه خسته، چابک و چست و زرنگ رو
از پیش‌کسوتان همه دم احترام کن	هان شق‌کمان مباش ظریف و قشنگ رو
جاسنگ را ببوس و بخواه از علی مدد	با یاری علی به میان دوسنگ رو
در بحر عشق، غوطه زن و ختم کن کلام	این جمله را بگو و به کام نهنگ رو

(مفتون، ۱۳۸۶: ۳۷۹)

مفتون در این ابیات به توصیف رفتار و اخلاق ورزشکار زورخانه‌ای پرداخته، که در تمام مراحل ورزش باید با ادب و احترام به پیشکسوتان و کمک خواستن از علی (ع) قدم بردارد.

پهلوان و پهلوانی

پهلوان در اصطلاح زورخانه کسی است که قهرمان و بی‌همتا باشد. پهلوان به عنوان نمادی از مردی و پاکی در جهان معرفی می‌شود. پهلوان همیشه به اصول پهلوانی پایبند است و هرگز از راه مردانگی و پاکدامنی منحرف نمی‌شود. مفتون در ابیاتی به ویژگی‌ها و صفات پهلوان واقعی اشاره می‌کند که مفهوم اصلی این ابیات بر اصول جوانمردی است.

باز بگشایم به حمد قادر یکتا دهان	تا کنم در این مکان اثبات فقر پهلوان
پهلوان را در طریق فقر و ارباب صفا	آنگ او گردیده جاری از دو پیر مستعان
پیر اول بور یا خوابیست کاو را پور یا	خوانده‌اند ارباب معنی و ولی و کاردان
پیر دوم احمد بن فاضل شیرازی است	کاو به فقر نعمت الهی رساند بی‌گمان
پهلوان، کارش به عالم مردی و مردانگیست	چون به پاکی پهلوان مشهور باشد در جهان
پهلوان غیر از ره مردی نرفته تا کنون	پهلوان هرگز نمی‌گردد به عالم قلمبتان

خواهی از تاریخ آن، اینک به مفتون دارگوش
این سخن را بهر او با حمد و اخلاصی بخوان
(مفتون، ۱۳۸۶: ۳۸۴).

پهلوان کسی را می‌گویند که شجاع و دلاور و دلیر و پردل باشد و نیرومندی را با سجایای اخلاقی توأم سازد. در قدیم امیری را می‌گفتند که در سپاه‌کشی و مردی از او بهتر کسی نبود (تهرانچی، ۱۳۸۸: ۱۶۲). در ادبیات اسلامی و زندگی پهلوانان حضرت علی (ع) به عنوان یکی از نمادهای پهلوانی و جوانمردی شناخته می‌شود.

خواهیم ما مدد ز تو یا مرتضی علی	چون جان به تن رود ز تو یا مرتضی علی
برهر که هر چه می‌رسد ای شه تو می‌دهی	هر کار می‌شود ز تو یا مرتضی علی
هر کس پناه بر تو برد، هر کجا رود	از رنج می‌رهد ز تو یا مرتضی علی
این شعر را هر آنکه بخواند برای او	امداد می‌رسد ز تو یا مرتضی علی

(مفتون، ۱۳۸۶: ۳۸۰).

یکی از ارکان ورزش باستانی، زندگی پهلوانان و جوانمردان و قهرمانان و مبارزان ایرانی است و رکن مهم دیگر آن مذهب مکتب تشیع، زندگانی و راه و رسم مولای متقیان علی (ع) است. به همین مناسبت است که هر کس و هر پهلوانی برخاسته از گود و هر دلاوری از ورزشکاران باستانی رفتاری جوانمردانه و عملی شجاعانه در گود یا خارج از گود انجام دهد رفتارش را علی‌وار یعنی چون مولا و مقتدایش حضرت علی (ع) توصیف می‌نمایند. به یقین فرهنگ ورزش باستانی و زورخانه‌ای الهام گرفته از مکتب مذهبی است که پیشوا و رهبرش حضرت علی (ع) است (نعمت‌اللهی، ۱۳۹۱: ۴۹). گود زورخانه را گود مرتضی علی و سردم را سردم مرتضی علی نامیده‌اند و بعضی، قسم‌های محکم خود را به گود یا سردم یاد می‌کنند، زیرا با نام مرتضی علی حرمت یافته است و مسجد را خانه خدا و زورخانه را خانه علی (ع) نامیده‌اند (بدرآسا، ۱۳۹۱: ۵۵). از پهلوانان و جوانمردان صاحب نام به پوریای ولی می‌توان اشاره کرد که نمادی از پهلوانی و فتوت است و پهلوانان و ورزشکاران به نام او سوگند یاد می‌کنند.

ای دل ز ورزشی که بود رسم باستان	سر وامزن، که باب دل و جان ماست آن
روراست گویمت: طلبی گر ره صلاح	این راه را برو، که بود راه راستان
بشنو ز من که ورزش پرارزش قدیم	خود دفع لرزش است که آرم به داستان
کاری که پوریای ولی پیر آن بود	این شعر را بخوان و بنه سر به آستان

(مفتون، ۱۳۸۶: ۳۷۷).

کشتی و فنون کشتی

در ورزش باستانی تنها مسابقه‌ای که از قدیم‌الایام وجود داشته است، فقط کشتی بوده و گفتیم هدف نهایی از ورزش در زورخانه، آماده‌سازی بدن برای کشتی بوده است. بر این اساس می‌گفتند میوه ورزش، کشتی است. لذا در طول تاریخ ورزش باستانی، همیشه برتریها بر محور کشتی گرفتن دور می‌زده است (تهرانچی، ۱۳۸۸: ۲۲۹). ورزش ایرانیان قدیم، ورزشی جنگی و میدانی بوده و کلیه ورزشها وسیله‌ای بودند برای رسیدن به هدف پهلوانی و دلاوری و کشتی نیز از آن میان مقام اول و فوق‌العاده‌ای را دارا بوده است (جاوید، ۱۳۴۹: ۲۹). کشتی از قدیمی‌ترین ورزشها به شمار می‌رود که در بسیاری از فرهنگها و تمدنها به آن پرداخته شده است. ورزشی که در آن دو نفر با استفاده از فنون مختلف با یکدیگر مبارزه می‌کنند. این ورزش به مهارت‌های تکنیکی و قدرت بدنی نیازمند است. یکی از بخش‌های معروف شاهنامه که به کشتی گرفتن اشاره شده، نبرد رستم و سهراب است. در این بخش فردوسی کشتی گرفتن رستم و سهراب را به شکل حماسی و پرهیجان به تصویر کشیده است.

به کشتی گرفتن نهادند سر گرفتند هر دو دوال کمر
(فردوسی، ۱۳۷۶: ۱۲۷).

ایرانیان همواره دو جریان پهلوانی و ورزش ویژه آن یعنی کشتی را در کنار هم و حتی گاه مترادف هم می‌دانند (شفیعی‌سروستانی، ۱۳۷۸: ۲۷). از فنون کشتی می‌توان به سرشاخ شدن اشاره کرد. اصطلاح سرشاخ شدن به درگیری و گلاویز شدن دو کشتی‌گیر اطلاق می‌شود که می‌تواند شروع یک حمله موفق باشد. مفتون در ابیات زیر از اصطلاح سرشاخ شدن به عنوان یکی از تکنیک‌های کشتی اشاره می‌کند که همراه با توصیه‌های روحانی موجب موفقیت در مبارزه می‌شود.

چون کوفتی فرو پی کشتی به آب و تاب	نام خدا ببر به زبان بهر فتح باب
سر شاخ چون شدی بنما قوس خصم را	قوسش چنان بکن که شود خاک را نقاب
از توی شاخ دست بینداز پیش قبض	دست دگر ببر ز میان دست وی بتاب
دست در شکن اسیر تو گردید غم مخور	زن بر زمین ونعره برآر از دل خراب

(مفتون، ۱۳۸۶: ۳۸۰).

در این ابیات مفتون با اصطلاحات کوفتن فرو، قوس، دست در شکن و غیره، ورزش پهلوانی را به تصویر می‌کشد و در هر بیت به یک واژه خاص اشاره دارد. مانند استفاده از کوفتن برای براندازی حریف و قوس زدن به نحوی که حریف ناپدید شود و برای برداشتن حریف از زمین، اصطلاح دست در شکن را استفاده کرده است.

حمال‌بند را تو به خاک ار زنی بجاست	یا که دورویه سگک خاکی زنی، سزاست
کنده اگر کشی تو در آنجا نکوتر است	ورنه تو پا تو ار بزنی، مطلبت رواست
اندازه گوسفند در آنجا نکو شود	چون کارروی‌کار به هر وضع خوش نماست
انداختی اگر تو به این کارها حریف	این نکته را ادا بکنی، نغز و دلرباست

(مفتون، ۱۳۸۶: ۳۸۱)

این ابیات با استفاده از اصطلاحات مربوط به کشتی پهلوانی، تکنیک‌ها و فنون مختلف کشتی را به زیبایی بیان می‌کند.

حمال‌بند و سگک خاکی اشاره به تکنیکی است که باعث براندازی حریف بر زمین می‌شود. کنده به تکیه‌گذاری بدن حریف برای براندازی اشاره دارد. انداز گوسفند تکنیکی برای بلند کردن حریف از روی زمین و براندازی به کار می‌رود. کار روی کار نیز به مهارت و زیبایی اجرای تکنیک اشاره دارد. مفتون با اشاره به این فنون کشتی، به مفاهیم عمیقی برای مقابله با چالش‌ها و موانع پرداخته است.

ای دل به چابکی فته پا را به کار زن	تو شاخ را پس از فته‌پا بر چنار زن
از لنگ پیش رو به حذر باش ای جوان	لنگ کمر به مردم نا اسـتوار زن
از تخته‌بند و از فلک‌بند سر مپیچ	چانه بنه، پلنگ‌شکن شیروار زن
مهتاب و آفتاب بسی خوب و دلکشند	این کارها بزن به حریف و هوارزن

(مفتون، ۱۳۸۶: ۳۸۲)

این ابیات نکاتی از جنبه‌های مختلف زندگی را می‌آموزد؛ برنامه‌ریزی و اقدام هوشیارانه در مقابل خطرات و پایداری در برابر نوسانات زندگی و مقابله با موانع و مشکلات را با فنون کشتی بیان می‌کند. در این ابیات، فتنه پا اشاره به چابکی و سرعت اقدامات، توشاخ احتیاط و هوشیاری، لنگ پیش رو هشدار در مواجهه با خطرات، لنگ کمر عدم پایداری و ثبات در مواقع حساس و تخته‌بند و فلک‌بند نیز تصاویری از موانع و مشکلات را نشان می‌دهد.

چون خصم تو پلنگ‌شکن می‌زند ترا	او را کلوم‌دک بکنی هست بس به جا
یا که دو دست خودگذران صاف از سرت	بنشین، که دست خصم درآید ز سرترا
گرکه حریف قصد تو فهمید، زود و چُست	پشت ار کنی به خصم، شود دست اورها
کار حریف چونکه بدل شد به لطف حق	این شعر را بلند بخوان فاش و برملا

(مفتون، ۱۳۸۶: ۳۸۳)

مفتون این ابیات را برای مبارزه و دفاع در مقابل حریف بیان می‌کند. پلنگ شکن به معنای کسی است که موفق می‌شود دشمن خود را شکست دهد؛ در حالی که کلوم دک به معنای کسی است که قصد دارد حریف را از موقعیت او باز کند. از دیگر نکات این ابیات، توجه به هوشیاری در برابر حریفان و آمادگی برای دفاع است.

یک دست زیر چانه و یک دست پشت سر	کن گاو تاب خصم دغل را چو شیر نر
یا که رکیبی سَر پا زن به چابکی	آن گونه که حریف نگردد از آن خبر
قصاب‌وار شانه او را همی شکن	از هر طرف شده، به حریف مده مفر
بر خصم گر شیرشکن فایق آمدی	زن بر زمین چوشیر وبکش نعره از جگر

(مفتون، ۱۳۸۶: ۳۸۱)

در این ابیات مفتون به فنون دیگری از کشتی می‌پردازد که در مورد استراتژی‌های مقابله با حریف و حفظ برتری است. گاو تاب به معنای گردن‌بند شیر است که به دشمن خود مقابله کند. رکیبی سر پا نیز به معنای حرکت سریع و مهارت‌مندانه است که باید به حریف اعلام برتری کند. شانه قصاب وار به معنی شکست دادن حریف است و شیر شکن نیز معنای کسی است که قادر به شکست دادن حریف است. مفتون توصیه می‌کند که در برابر حریف باید با مهارت، سرعت و قدرت اقدام کرد تا برتری بر حریف حفظ شود.

دستت فتد چو زیر شکم، کار نو بزن	یکپای پشت پا فکن و، پس درو بزن
دست‌درم‌خالف تو چو قال حریف‌کند	از او عقب میفت و، چو مردان جلو بزن
گر که حریف خواست کشد کنده ترا	زالانه پور زال صفت تو به تو بزن
خواهی به آشت نکشد گر حریف تو	زین لعل آتشین، جگرش را الو بزن

(مفتون، ۱۳۸۶: ۳۸۱)

این ابیات فنونی از کشتی را به تصویر می‌کشد که ترغیب به تصمیم‌گیری و اقدام جسورانه و استراتژی مقابله با حریف را نشان می‌دهد. و با استفاده از تشبیهات غنی و کاربرد پیچیده‌ای از اصطلاحات فارسی، مفاهیمی از زندگی و انسانیت را در مواجهه با چالش‌ها بیان می‌کند و در کنار فنون کشتی با استفاده از این تشبیهات، به مفاهیم روحی و اخلاقی اشاره می‌کند.

خصم تو گر بخاک فکندت، مده صداع	مقراضک تو، هست ترا بهترین دفاع
هر ران تو گرفت، به عکسش به خاک رو	مقراضک از برای بدل گشته اختراع
مقراضک ار نشد، مچ پای ورا بگیر	شو راست، تا که او کند از کار امتناع

گردد سَرِ کلافه به او گم از این عمل
این شعر کن تونقش جبین با خط ر قاع
(مفتون، ۱۳۸۶: ۳۸۳).

این ابیات اصطلاحات جنگی و مبارزه‌ای را در مواجهه با حریف بیان می‌کند. بخاک افکندن به معنای شکست دادن و مغلوب کردن حریف است. مقراضک به معنای سپر و دفاع است که در اینجا بهترین وسیله دفاعی در برابر دشمن است. مچ پای و را بگیر، یعنی دست به دست و پا به پا با حریف جنگید و او را مهار کرد. از دست دادن سر کلافه به معنای از دست دادن نتیجه مطلوب است.

چون زلف یار، کشتی پرپیچ و خم خوش است
کج کردن دوران و شکم در شکم خوش است
گر را ست شد، پلنگ شکن کن حریف را
ور خاک شد، مخالف پادرعلم خوشست
حمل بند شیوه خاک است و هم سگک
یا قفل قیصری بزنش لیک کم خوشست
یا پا به دست خصم رکیبی توان زدن
کن ورد خویش این سخن ونعره هم خوشست
(مفتون، ۱۳۸۶: ۳۸۱).

در این ابیات مفتون اصطلاحات و مفهوم فنون کشتی را در بحث عشق و دلدادگی بیان می‌کند و زیبایی ادبیات را در فنون کشتی به تصویر می‌کشد. در این اشعار آمادگی برای مقابله با حریف و کسب پیروزی را در پیچ و خم کشتی به زیبایی بیان می‌کند و کج کردن دوران و شکم در شکم را تغییر و تحول و غلبه بر حریف بیان می‌کند. فنون پلنگ شکن و حمل بند نیز برای شکست حریف و کسب پیروزی است.

از زیر گر حریف ترا قبضه کرد ران
بردن ز پشت، دست به زیر شکم توان
خیمه بزن به گرده او، یا به چابکی
از کله در کن اش، که بود چاره تو آن
یا تاخت گر بزیر کف گرگی اش بکش
یا که لنگ باخته اش کن عقب نمان
گر رفت پشت سر تو ز تو، لکنه ش بکش
بر پشت چون فتاد، به رویش همی بخوان
(مفتون، ۱۳۸۶: ۳۸۲).

به موارد مختلف نبرد یا مبارزه، در این اشعار اشاره شده است. قبضه کردن ران به معنای گرفتن ران حریف از زیر به صورت قاطعانه است که نشان از مهار کامل حریف دارد. خیمه زدن به گرده او به معنای ایجاد ناگهانی حمله به حریف با چابکی و سرعت عمل است. کف گرگی به معنای حمله به نقاط ضعیف حریف است. لکنه کشیدن به معنای نشان دادن نقاط ضعف حریف و سوء استفاده از آن برای موقعیت بهتر در نبرد است.

نتیجه‌گیری

این مقاله تحلیلی برچگونگی آیین‌های پهلوانی در اشعار مفتون همدانی و نشان‌دهنده تأثیر این آیین‌ها بر محتوای شعری و ساختار ادبی است. اشعار ورزش باستانی در دیوان مفتون همدانی نشان دهنده علاقه عمیق او به ورزش سنتی و پهلوانی است. مفتون در اشعار خود به شیوه‌ای هنری به توصیف و تجلیل از فنون ورزش باستانی و زورخانه‌ای پرداخته است که این امر نشان دهنده پیوند عمیق ادبیات با ورزش در فرهنگ ایرانی است. او در اشعارش به اصطلاحات و فنون کشتی و ورزش‌های باستانی اشاره کرده که نشان‌دهنده تسلط او به هنرهای سنتی و استفاده از آنها در هنر شعر است و همچنین با تأکید بسیار بر ارزش‌های فرهنگی، اخلاقی و پهلوانی، احترام و ارادت خود را به اصول پهلوانی و پهلوانان نشان داده است. این مقاله اهمیت حفظ و ترویج آیین‌های پهلوانی را از طریق ادبیات نشان می‌دهد؛ که مفتون چگونه با استفاده از اشعارش به حفظ و ارتقای این آیین‌ها کمک کرده است و با تجزیه و تحلیل فرهنگ و آیین در اشعار مفتون همدانی، چگونگی ترکیب این عناصر را با سایر موضوعات ادبی و اخلاقی می‌توان بررسی کرد. درنهایت، این نتیجه حاصل می‌شود که با برگزاری دوره‌های آموزشی، اصول و ادبیات ورزش خانه‌ای، می‌توان به شناخت بهتر و گسترش فرهنگ این ورزش همت گماشت و با تشویق نویسندگان و هنرمندان به خلق آثار مرتبط با ورزش زورخانه‌ای و ادبیات شامل کتاب، مقاله و آثار هنری به حفظ و ترویج این فرهنگ پرداخت و با همکاری بین مراکز آموزشی و زورخانه‌ها برای تحقیق و انتشار مطالب علمی و پژوهشی در زمینه ورزش باستانی و ادبیات به ارتقای سطح علمی و فرهنگی این ورزش کمک کرد.

منابع و مآخذ

۱. بدرسا، سید حسین. (۱۳۹۱). *زورخانه محل کسب معنویت‌ها*. تهران: نشر پیام.
۲. بیضایی، پرتو. (۱۳۸۲). تاریخ ورزش باستانی.
۳. تهرانچی، محمد مهدی. (۱۳۸۲). *پژوهشی در ورزش‌های زورخانه‌ای*. کتاب سرا.
۴. تهرانچی، محمد مهدی. (۱۳۸۸). *ورزش باستانی زورخانه از دیدگاه ارزش*. تهران: امیرکبیر.
۵. جاوید، سیروس. (۱۳۵۰). *زمینه ورزش شناسی*. تهران: پیروز.
۶. شفیعی سروستانی، اسماعیل. (۱۳۷۸). *داستان ورزش ایران*. تهران: ناشر موعود.
۷. کاظمینی، کاظم. (۱۳۴۳). *نقش پهلوانی و نهضت عیاری*. تهران: مرکزی.
۸. نعمت‌اللهی، مهدی. (۱۳۹۱). *ورزش باستانی (زورخانه‌ای) و کشتی پهلوانی*. تهران: راشا.
۹. معین، محمد. (۱۳۸۵). *فرهنگ فارسی*. تهران: امیرکبیر.

The Chivalric Tradition in the Poetry of Maftun Hamadani

Abastrack

Seyyed Mir Agha Kobraei Hamadani, pen-named Moftoon, was a distinguished and skilled poet of the 14th century, born in Hamadan. He was well-versed in the knowledge of his time and had great expertise in composing various poetic forms. He created rhetorical expressions through the innovative combination of words and sentences. Moftoon's passion for sports, particularly traditional and Pahlavani (ancient Persian wrestling) sports, is evident in his poetry. His poems feature a prominent place for religious and moral themes alongside chivalry and heroism. He is the only poet who references the techniques of wrestling and the customs of the traditional gym. His deep enthusiasm for sports eventually led him to achieve the status of a veteran and hero, training many students in the preservation and promotion of this cultural heritage. Moftoon's poetry is simple, fluent, and accessible to the general public. Through his poetry, he engaged with the techniques and methods of wrestling and traditional gym sports. Moftoon's profound interest in traditional gym sports prompted him to describe its movements and customs in detail, making his works a valuable record of the rituals and customs of ancient sports. Given the hypothesis that the profound impact of ancient sports and traditional gym practices on Moftoon Hamadani's poetry reflects the significant role these sports played in the culture and literature of his time, the question arises: How have the influences of traditional gym sports affected Moftoon Hamadani's poetry and Persian literature? The aim of this paper is to examine the impact of ancient sports and traditional gym practices on the themes and techniques of Moftoon Hamadani's poetry and to analyze the role of these poems in preserving and promoting ancient culture. This study is conducted through library research and field investigation. We aim to significantly contribute to raising awareness and interest in ancient sports and to highlight the role of literature, especially poetry, in traditional sports.

Keywords: Maftun, poetry, sports, Zurkhaneh